

روزانه های دیروز

برچیده های محمد ایل بیگی از نشریات سالیان نه چندان دور



فرقان .

شماره ۱۳ .

اسفند

۱۳۵۷

وَرَبِّكَ أَنْ تَقُولَ قَوْلًا مَعْرُوفًا
وَقَدْ كَلَّمْنَاكَ وَأَعَدَّ لَكَ الْوَارِثِينَ

فرقان

شماره ۱۳

اسفند ۵۷

۱- پیشگفتار ، صفحات ۱ تا ۴

۲- نگاهی به ایران ، صفحات ۵ تا ۱۱

- عینای تفکر شهید در انقلاب اسلامی فلسفه‌مدون حزب و قرآن‌پژوه‌گواراست
- بدین معنی که شهید همیشه پیشگامان، جزو و بدنه‌ها، محمود و سقوط اجتماع را با اصول تفکر قرآنی خود؛ دنیا بی‌من کند (اصول تفکر قرآنی را بجاوانید) .



شماره ۱۲
سنگد ۵۷

نهادت

مجاهد شهید سید جمال الدین اسدآبادی
و اعرافی بداریم

اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ وَالْجِنِّ
سُبْحَانَكَ بِسْمِ اللَّهِ

خداوند از فرشتگان و از مردم فرستادگان را
برس گزیند ، و اما خداوند شنوای بی‌نیاست .

عدالت از دید فلسفی آن هر پدیده‌ای را در
جای خود نهادن است ، و از دید اجتماعی
آن ، خود و جامعه خویش را مسئول همه
رشد و تکامل ها یا سقوط و انحطاط ها
دانستن می‌باشد (توحید کتاب اول صفحه
۲۲۲ بحث عدالت) .

امر خداوند از دید کلی همان تقویم تحسول
کلی در جریان تحولات کم موجودات و سعی
بیکدیگر آنهاست و در سطح اجتماعی امور
مورد نظر همان کمترشراوندی باشد خداوند و
حاکمیت ابد تولدی راستین او و اما نسبت
توده‌های ضعیف شمرده شده می‌باشد که
در واقع این هم تحول کلی در نظامات بود
خلق و قدرتها می‌باشد (توحید
کتاب اول صفحه ۲۲۲ بحث امامت) .

پنجمین مقاله از مجموعه

پیشگفتار :

تاریخ ایده انقلابی در شکل جامع و کامل آن در مرحله فلب انقلاب کوبیدی ، و بعد همسای
انقلابی را در این مرحله تازه تر و گسترده تری از تلاش و مبارزه میگرداند و در برابر دو بُعد اساسی
و حیاتی مبارزه یعنی تلاش در جهت " عدم انزوا " و " تحقق ایده انقلابی " قرارشان
میدهند . که تلاش در جهت عدم انزوا ایده انقلابی مستلزم اجرای اصول " اجتناب از انزوا " و
همراهی (۴) . بدین معنی که از یکسو با ترویج و ترویج هر چه بیشتر جانی فکری در رابطه با
تفاهات و در این بین ایستادگی عزائم و شعار های مبارزه انگیزانه انقلابی ایجاد گردد ، و از سویی
دیگر با تطبیق عملیات جامعه و " حکومت و جامعه " (۲) با شرایط ایده انقلابی و ارتباط
آنها / رابطه مردمی آن در جهت عدم انزوا بوده شای غلبی در رفع موانع ایستادگی و حصول
نتیجه آنها انجام پذیرد .

البته اجتناب در ایده انقلابی با بهتر نگزینم در " اصول " غیر از " اجتناب از ترویج " است
که در مذبح صیغ شده حاکم بر جامعه مطرح می باشد . زیرا از یکطرف " اجتناب از ترویج " در
فرهنگ " میرزا در مرحله " شهادت انقلاب " باید مورد توجه قرار گیرد ، و در مرحله " توسعه
انقلاب " اجتناب بر اصول ، " ضامن تکامل مبارزه " و " بلوغ ایده انقلابی و رشد سیاسی " و
یافته های مبارزه و شرح های مختلف جامعه می باشد . و از طرف دیگر " اجتناب از ترویج " اگر
انگیزه که در مذبح حاکم هم مطرح است تطبیق داشته باشد ، باید در ضمن " اجتناب از
اصول " عملی گردد و فرغ آن تلقی شود ، تا آنکه خود سنجایی در برابر آن گردد .

بر این اساس است که پس از تعیین ایده انقلابی و در رابطه با عدم انزوا آن نقش اساسی
" فرهنگ " یعنی آشکار شدن ، چه شایسته تر است ، شده بود . و با استناد از حبه مورد مسای
آفرینش در راهی که برگزیده نامم و در جهتی که انتخاب کرد نامم بتوانیم همه آنچه را که در زمینه
" عدم انزوا " باید مطرح شود . در این حال بگنجانیم و بدین ترتیب رسالتی کوهی
و انقلابی خود را در این عهد از مبارزه بیابان بریم .

تلاش در جهت تحقق ایده انقلابی هم زمینه های انقلابی را از یکسو جمعید در پرتو
اجرای اصولی قرار میدهد که در نوبت کتاب دوم خود توجه واقع شده اند . و از سویی دیگر مستلزم
تاریخ اساسی است که در سطح کار آنها قرار میگیرد و توان بین تلاش در جهت توسعه آن
ایده انقلابی و تحقق آن طی دوره پیوسته انقلابی جامعه در راستای و مبارزه کوهی خواهد بود .
به امید روزی که از این عهد بود در چهارصصت تعیین زمین جانی بر اقامت و راست آنها تحقق پذیرد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الْأَذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَوَاعَلُونَ أَنَّهُ الْفَسَقُ مِنْ رَبِّهِمْ وَاللَّهُ بِمَا فَعَلْتُمْ بَصِيرٌ (بقره ۱۴۵)

بطور قطع گردش چهره‌ها را در آسمان می‌بینم، پس قبله‌ای را می‌گردانیمت که آنرا بپسندی. پس چهره‌ها را طرف مسجد الحرام بگردان و شما هم هر کجا باشید چهره‌ها را بسمت آن برگردانید. و بطور حتم آنانکه کتاب داده شدند میدانند که آن همان حق و راستی است و از پروردگارشان می‌یابند. و خداوند از آنچه که می‌کنند ناآگاه نیست.

با توجه به آیات گذشته و با در نظر گرفتن این اصل که هر پدیده‌ای بسرای خویشدن جهت دارد (۱) و همچنین با توجه به اصل امامت (۲) و رابطه آن با گروه‌های مختلف اجتماعی، بیان این نکته ضروریست که بناظر بر هر گروه یا هدف اجتماعی و یا هر امری برای خود ایامی دارد (۳) تا گزین قبله‌ای هر خواهد داشت، یعنی پدیده‌های اجتماعی یا طبیعی که تعیین کننده جهت و جهت خویشدن آن باشد. به عبارت دیگر قبله هر گروه، مظهر جهتگیری اجتماعی و جهان پوشی خاص آنها بوده و روشن است که کیفیت و چگونگی قبله رابطه‌ای مستقیم با کیفیت جهت گیری اجتماعی و جهان پوشی گروهها ندارد. تردیدی نیست که هر گروه یا هدنیسی صرف نظر از مثبت و منفی بودن اهداف، تلاشی خستگی ناپذیر دارد تا گروه‌های دیگر را از قبله‌های مخصوص خودشان برگرداند و به قبله مطلوب خود توجه دهد. از اینروست که "چنگه قبله‌ها" بگونه "پیکار ایدئولوژی‌ها" و نیز بدین ابعاد بیان در سطح اجتماعی امری بدیهی و اجتناب ناپذیر است و باید در نظر داشت که پیکار قبله‌ها یکی از عوامل ایجاد سردرگمی در بین روشنفکران جامعه و توده‌های خلق است.

۱- وَ لِكُلِّ رِجْلَةٍ مَوْجُوهٌ (بقره ۱۴۹) و همچنین توحید کتاب اولی بحث چهارم طبیعی

۲- توحید کتاب اول مبحث امامت در جهان یعنی توحیدی

۳- تَمَّ نَدْوَاهُمْ كُلُّ الْأُمَمِ يَا أَيُّهَا الْمَدِينَةُ (بقره اسرائیل ۷۱)

این محتا آنگاه روشنتر و قابل فهم تر میشود که از این نکته هم لافل نمائیم که گروههای اجتماعی قدرتی و شدت خودی یا در نظر گرفتن امکانات وسیع و سیاست های امری بی شان عناصر خلی و اکت توحیدی را در محاسره خود و جهت گیریهای خویش قرار داده و توده ها را از سمت گیری پیروی قیله آنها باز میدارند . در چنین شرایطی است که بیجان نسبت که عناصر منحرف و شدت خودی برای کشاندن توده های نا آگاه به قیله از پیش ساخته خود استفاده میکنند ، روشنفکران متصرف توحیدی و بخصوص پیام آوران حق و راستی هم نقش سازنده و حیاتی خود را در حل تضادها و بر طرف کردن سرد رگی ها ایفا نموده و جهت راستین خلیها و قیله واقعی و خدایی آنها را تعیین میکنند همانطور که پیامبر بزرگوار اسلام در شرایط خاص تاریخی خود رسالت این چنین را عملی می سازد . آری ، آنگاه که توطئه های قدرتی و سیاست های امری بر بکار قیله ها را تشدید نموده و به سرد رگی روشنفکران کش می نماید و هر روز و هر ماهه قیله ای از پی قیله دیگر خود تمانی میکند و مظهری فریبنده از پی مظهر فریبنده دیگری میدهد ، میگردد ، و توده های خلق بگونه آلتی بلا اراده پسته این طرف و آن طرف رانده میشوند ، پیام آور بزرگ خط بیطلان بر تاسی مثلا هر عیطانی کشیده و وجه قیله ها را نلی کرده و چهره خود را بشوید آسمان میگرداند و بیجسای نگاه عاجزانه به قیله های ساختگی امر بیجان زمین به قیله خداوندی که آسمان بها و کینکشا نهایی تا پیدا کرده است نظر می افکند ، تا آنجا که خداوند بزرگ بر اعلا خاص او را این چنین بیان میدارد :

قطعا ما کردش چه برهات را در آسمان می بینم

شکفتا ، آنها این دیوانگی است که در روزگار بکار قیله ها به آسمان خدا از سد بنگری ؟ و جبرهات را توجیه بر روییت حاکم بر هستی بنمائی ؟ و از قیله های دروغس و اغواگر روی برگردانی ؟ نه ، هرگز چنین نیست بلکه این اقتدای اندیشه مند واقعی بودن ، توحیدی بودن ، خدایی بودن ، استقلال عمل داشتن و مردی بودن است . این روش عالیترین روش بکار چوئی با علمایی ها ، جهت گیریهای قدرتی و خدایت هاست که توده ها را آگاهی بخشیده و آنها را از توجیه به شرق و غرب و شمال و جنوب و چهار راست و این وان یازده داشته و پیدا ، به فطرت انسانی ، به حسینی ، به آسمان پهنای ، به ملا ، اعلا و به افقهای دور ایدیت توجیه سازد . راستی چرا پیامبر و طبعها انسانهای پیام آور از قیله های فریبنده روی برگردانده و به قیله خدا که در آسمانهاست دیده می اندازند ؟ پاسخ روشن است ، رسرا

قیلعه‌های مزبور همگی در زمین هستند و مورد رضایت پیامبران و رهبران راستین آنها واقع نخواهند شد - قیله مورد پسند آنها قیله‌ایست که جدا شده بدان اشاره فرموده :

قیلعه‌ای را بر سر گردانیت که آترا پسندی

قیله مورد پسند پیامبر همان است که در فراز بعد قیله مورد بیعت او و همراهانش را به سمت گیری در قبال آن فرمان داده‌است :

چهارهات را بطرف مسجد الحرام برگردان و شما هم از هر جا
چهارهاتان را بدان سو برگردانید .

آری ، قیله مطلوب پیام آور و عناصر متعهد و توحیدی همراهش قیله‌ای ابراهیمی است . قیله‌ای عاری از همه پنداره‌ها و زینب و زهورها ، قیله‌ای دور از همه توطئه‌ها و عوامفریبی‌ها ، قیله‌ای بسودتودعها ، و بالاخره قیله‌ای مشهور توحید و تیلور همه نتیجه و دردها و پیکارهای ابراهیم بزرگ در جهت نرسیدن خدا یگان زمین آری ، دیگر بوت‌البلد سر آن خانه پاک و طهارت نرسد انصاف قیله معدوم باشد و نرسد انصاف نماند چیزی و شود کار چنانکه ای خدا و یگانگی انسان در زمین بحسب سابقه آید . چرا که خانه رجس و بلندی و قیله نرسد بیان و روشنفکران مؤمنان شد مردی و قیله توحیدی شده بود ، از اینرو بیان دیوانگان به آسمان نگرستن و در آسمان امریش مسموم شدن بهتر است تا به قیله‌های در زمین نظر افتادن . باید نوشتید و پاکیزگی و طهارت خواست و بنگار کردن به ریوریت بیست تا قیله‌ای دیگر مطلوب به نشانه ابراهیم ، منظور توحید به نشانه خدا پاقت ، و همه همراهان راستین را بدان توجه ساخت ، هر چند که روشنفکران خائن و عوامفریب در زمین آگاهی به مخالفت با آن بر می‌زنند . مخالفت آنان از قبل هم پیش رویش شده است .

قطعا روشنفکران آگاهند که آن قیله در نهایت راستی و از
ناحیه پروردگارشان است .

بطوریکه ملاحظه میشود عناصر مزبور وحش همان روشنفکران که بحق بودن قیله‌ای پیام آور آگاهی دارند و بواسطه موقعیت خاص خویش و روش‌ها و مانیات خود از اجزای بدان سر باز زده و از سمت گیری پسوی آن روی برگردانند ، نقش اساسی را در ایجاد سردرگمی و دامی زدن به آتش سوزان جنگ قیله‌ها بر عهده دارند . ایشان همان عناصر نظیری هستند که همانطور که در آیه بعد می‌خوانیم (۱) به همین توحید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نگاهی به ایران :

تحولات و دگرگونیهای مختلف اجتماعی و دگرگونیهای سیاسی و اجرای سیاستهای کوناگون از ناحیه عوامل شناخته و ناشناخته در جامعه ایرانی و بحران اقتصادی و اجتماعی صورت پروری همه چانههای را در این زمینه ایجاد می نماید و همانطور که در شماره همسای قبل پارها و بارها یادآور شد ما بر وظیفه انقلاب خود میدانیم که اولاً با وجود روغن بودن مواضع و جهتگیریهای فکری و اجتماعی و برداشتهایمان از سوادت واقعه دیگریار بر روی آنها با فشاری کرده و در نتیجه هر چه بیشتر آنها بگوئیم ، و تنها برده از روی نقشه های فریب و تزویرهای تفکر عوامل قد علم و قدم برداشته و خط مشی سیاسی و اجتماعی خود را مشخص سازیم . ما بگونه همه آحاد و افراد این مملکت از دیرباز شاهد و در همین حائز حائزین جهان سالیان استراش و پیکار و جوش و عزمگیری خستمانه در برابر مارکتران - ذوق خلیل و عناصر فریبکار و قدرت طلب هستیم ، چرانی که تحسولات اجتماعی و جهتگیریهای - سیاسی به همان نسبت که از آن تأثیر می پذیرند بر آن اثر میسازند ، و کندی و انحراف و با سرعت و شتاب در آن ایجاد می کنند . چرانی که توده های خلق با توجه به نظریت پانک و توحیدیشان در حق آن قرار داشته و پارسشکن تمامی مشکلات ناشی از آنرا بر پشت ما شان می کشند . چرانی که انسانهای بزرگ و شهیدان راستین جامعه ما که همه از شهیدمان در وجود شان تبلور یافته است ، زمین اینک خود شاهد و گواهی آن برده ماند با تمام قوا و حتی به قیمت خون پاک عظیمی بدان جهت راستین بخشیده و در آن شتاب ایجاد کرده و مواضع را از سر راهش برداشته و از انحراف آن جلوگیری کرده اند . چرانی بنیادی و اصول و منطبق با فرهنگ ملی که از آن بارها به عنوان انقلاب توحیدی خلق مسلمان مستفاد یاد کردیم . چرانی که از حق غنمست و نهاد طبیعت و روح تشویق راستین پایه و پایه میگرد و از اصول تفکر فرانسویات می باید و از خون سرخ شهیدان نیروی زایش و جوشش در آن پدیدار می گردد و تا پایان تاریخ و تا مرحله تحقق شهادت اراده جداوند در قبال مستضعفین زمین ادا می دهد . چرانی که به نسبت تأثیر همقابل انکار مجاهدین راستین و شهیدان توحید پر جهان مزبور و شتاب آمدن در آن ، عناصر عدنگامی و نیروهای ضد خلقی از هر منسب و هر طبقه با توجه به نقش مارکترانه و منسرفانه شان تأثیرات منفی و نامطلوب در چهره مان مزبور پدید آورده و در آن کندی و حتی انحراف ایجاد کرده و می کنند ، عناصری که در گذشته در تحولات کلی و اصولی از آنها بعنوان آفات انقلاب توحیدی یاد کردیم ، و گفتیم

که سیاست جهانی و سیاست رژیم فاسد حاکم و سیاست بنحیط آخوند بهم که بر اساس
 دیکتاتوری هم عمل می کنند ، نقش انحراف را در حرکت توحیدی و انقلاب مردم ماد ارتد
 بررسی تاریخ تحولات و جریانات سیاسی کشور با قیوت مزبور را مشخص و متسوس میگرداند
 بخصوص تحولات اخیر پروژین تأثیر منفی سیاستهای مذکور را مشخص می سازد .
 همانطور که بارها اشاره رفته است سیاستهای انحرافی را و تهاهی آور در همین
 صلکون خاص خود در جهت پیشبرد مقاصد خود در بر سر صلی از زبان کوشوده و میگویند تا
 به خاطر شرایط خاص ، سیاست مشترکی را در بهار گرفته و از استراتژی واحدی پیروی
 کنند و در شرایط دیگر بواسطه بروز تضادها و درگیریهای مختلف میگویند تا هر کدام -
 دیگری را از صحنه بدر کرد و خود یکتا از میدان شوند و یا با یکدیگر تباشی کرده و طرف
 سومی را از بین ببرند .

دیکتاتوری سیاست جهانی که آفت انقلاب توحیدی خلق ماست از مایه های
 طولانی دربارت و چهارول و کشتار و توطئه و نیرنگ مردم برخوردار است ، و تا زمانی که از
 درون نپسیده بود در زمینه اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه ما سیاست واحدی را یگار
 میگردت . سیاست حشد منابع خود و انحراف انقلاب توحیدی از مسیر راستین خویش .
 اما از این نکته نباید غافل ماند که "بجز" مختلف تشکیل دهنده دیکتاتوری سیاست جهانی
 ذاتاً و بطور حتم با یکدیگر بر رقابت برخاسته و دائماً از بروز تهاهای درونی خود نگرانند
 و در چنین شرایطی است که حقایق تاریخی بر ملا میروند و سیاستهای چیدپی اینچسام
 میگردند و سیاستهای تاریخی اعمال می شوند - صرف نظر از اهمیت تهم شعوری و زیسمهای
 وابسته بدان ، در آرد و گاه آنها را هم فریب به عنوان یکی از پایه های اساسی دیکتاتوری
 سیاست جهانی از مدت ها قبل شکاف افتاد و اختلاف نظر پدید آمد که البته عوامل مختلفی
 در بعد اخیر این شکاف دخالت داشتند و قربانیان این رقابت هم انقلاب توحیدی خلق
 مسلمان مستخسف ایران و پاکستان و قارت بنا بر مادی و محتوی آنها بود . همگسان
 میدانند که از زمانی که میان آمریکا و فرانسه استعمارگر در رابطه با مسئله فروش اکتورهای
 اتمی فرانسه به پاکستان اختلاف نظر پدید آمد ، رژیم منحط و فاسد مردم بیستو سرتگون شد
 و آخوند بهم در پاکستان رشد بیشتری یافت و اوضاع سیاسی مشتتج شد و بحران اقتصادی
 شدت پیدا کرد و مسائل مختلفی از قبیل جزیه پاکستان و جنگ داخلی و ... مطرح
 شد ، همین جریانات با کمی اختلاف در ایران پدیدار گشت . رقابت بین آمریکا و
 اروپای استعمارگر یکی از عوامل اساسی ایجاد بحران سیاسی و اقتصادی در ایران گردید
 و تا آنجا ادامه یافت که رژیم فاسد خلق دست نشانده آمریکا را سرتگون کرد و رژیم منحط
 آخوند بهم دست نشانده آنها را بر روی کار آورد و انقلاب توحیدی خلق را به انحراف
 برد .

بد بختی بهم چنانچه با ژوین آمده ناسد پهلوی بستان یکی از آفات انقباض
 توحیدی و دست نشاندگی آمریکا و خوشبختی آخوند بسم یعنی آفت دیگر انقلاب توحیدی
 و مزدور اروپا از وقتی آغاز شد که شاه خائن را آمریکا و همدا طبل انگلیسیها را بر طبق
 سفارش اربابانش از کار برکنار کرد و چون وانمود ساخت که به نقض ارضای استعمارگر در
 ایران خاتمه داده و درست در خدمت اربابان آمریکا پیش تر از آنکه است - آری ، صرف
 نظر از مسائل و تعداد ها و در کشورهای گوناگون دیگر نقطه آغاز اینها بود ، که تا کجا
 بلند گویای استعمار اروپا به نفع بهم آخوند بسم و به ضرر بهم ناسد حکم جدا در
 آمدند و مطبوعات اروپا قائم و بنگاه به بررسی اوضاع ایران پرداختند و اروپا خود را بسوی
 استقبال از آخوند بسم و برودش و رشد دوباره آن آماده کرد . و بالاخره هم در این راه
 بهروز مشور ایران آمریکا را تبدیل به ایران فرانسه کرد (۱) .

در صورت رفع اختلاف نظر و ایجاد وحدت دوباره میان امرالیستها و همپتون
 هر اسر از نفوذ نیروی در ایران موجب گردید که آمریکای تجار بزرگ هم با ارضای استعمارگر
 دیگران همصدا شده و بسوی آخوند بسم جهتگیری کرد و تضاد های اجتنابنا را بگونه ای
 حل کنند که منافع خود را حفظ نموده و اهداف بد عظمی خود را بر آورده سازند . قبلا
 هم گفتیم که در یکتاری سیاست چپ آنی که روزگاری در از منافع خود را در حفظ انفسراد
 وابسته به خویش بودید با توجه به شرایط خاص اجتنابنا برتد جنبشهای آزاد و به شرح
 دیگر شورانگانه تودهها اکنون تداوم منافع خود را مبرهن حفظ بر زمینهای وابسته و بخصیص
 ارضیهای استعماری میداند ، و این معنی در رابطه با آنچه که در ایران گذشته و
 میگردد کاملاً صادق است ، استعمار جهانی همراه با تضادها و چهرهات داغلی به
 در دفاعی میدهد که بی بااست بر نظر از وجود افراد وابسته و بر زمینهای سیاسی دست
 نشانده ، ارتش مزدور ایران را بعنوان تنها ضامن دوام جریان منافع خود در منطقه
 حفاظت کرده و پاسداری نماید ، که البته انجام این مهم هم پس از آن امکان پذیر نبود .
 تحقق این امر مستلزم آن بود که از یکسو ارتش مزدور و منظور خلق وجوه الحاق شده و
 بستان از تشریحی طبع آن کرده تا بوقت بتواند تودهها را فریب داده و غارت نماید و
 از سوی دیگر با توجه به تضادها و اختلافات درونی و بیرونی اوضاع های تند رو و سمانه
 انگلیسی ها به تلاشی سقوط همدا در ایران و فرانسه و به تلاشی سقوط بونو در
 پاکستان زبده سقوط شاه خائن را فراهم آوردند و بدین ترتیب آمریکا آنها را طبع سلاح
 کرد و سازمان جاسوسی " سیا " را در محاصره قرار دادند .

در ارتش نومی تصفیه در آن انجام پذیرد ، صفهای متناسب با جریانات سیاسی و تحولات اجتماعی . روشن است که انجام این امر به زمان خاصی احتیاج داشت و ژنرال آمریکایی که خود از مدتها قبل به ایران آمده و از نزدیک جریانات سیاسی و اجتماعی را کتبخیز میگرد زمان انجام آنرا تشخیص داد . زمانیکه دولت ارتش با یازگان بعنوان عامل اجرای سیاستهای دیکتاتوری آخوندیسم روی کار آمد ، درست در همین مرحله بود که مأموریت ژنرال هنرور بیایان رسیده (۱) و مطبوعات استعماری از قبل مجالی سیاسی آمریکا از میانه روی یازگان بعنوان وجه مشخصه او سخن سردادند و زمان وجیه القله نمسودن ارتش و ایجاد تصفیه در آن هم همین زمان تعیین شده بود تا با توجه به حاکمیت رژیم ضابط سیاسی میانه رو در ایران ارتش هم با آن هماهنگه شده و تناسب پیدا کند و تندروها کنار رفته شده و ارتش میانه رو که طبقا ارتش ملی (۱) هم خوانده میشود روی کار آید . براین اساس بود که با زمینه چوینی های قبلی واحد های تند روی ارتش همچون لشکر گارد و ساواک و عدای از افسران مزدور را بر روی مردم و واحد های دیگر بنا توجه به بطرفی ارتش در امور سیاسی که از قبل هم مطرح شده بود (۲) قراردادند (۳) و چنین وانمود کردند که با از بین رفتن واحد های مزدور و افسران مزدور ، ارتش ایران دیگر یک ارتش ملی و اسلامی نخواهد شد . سردودی نیست که اگر مبارزات چوکبر مردم -

مسلمان و مستضعف ایران از یک رهبری درست و توحیدی و مردمی برخوردار بود ، لااقل از پیش همین تعداد در دین ارتش هم میتوانست برای تابدی کامل رژیم منحط و در هم کوبیدن با یکا همایش استفاده کند . اما آخوندیسم تبهکار که مدعی رهبری مبارزات مردم ایران می باشد در همین ایستگاه سیاست باز بهایش ، به بودایش تعداد مزدور کفک کرد همچون صرفا تلاش خود را مصروف در حل این تعداد در جهت پیشبرد منافع خود کرد و از مبارزات مردم بسود خود بهره برداری نمود (۴) و همینکه واحد های تند رو ارتش به کفک دیگر

- ۱- کسبان ۱۸ بهمن ، خروج ژنرال آمریکایی از تهران بعد از اقامت یک ماهه در ایران همزمان با تشکیل دولت یازگان .
- ۲- کسبان ۱۸ بهمن ؛ طرح مسئله بطرفی ارتش توسط فرماندهان ارشد .
- ۳- گفتگوی علنی رئیس یکی از بخشها فرمان در مورد چگونگی آغاز دیگری گارد و نیروی هوایی خود بدون این مدعی است .

۴- توجه به آنچه که تا بحال گذشته ما حیت مودبانه و درون حال زندگی آخوندیسم را بر ملا می سازد ؛ از ابتدای بروز نا آرامیها در ایران بخصوص در طول چندین ماهه اخیر رول مبارزات خلقی مسالمت آمیز و نهایتا در شکل نظامی هرات خشونت آمیز تجلی میسی نمود . که تازه آنهم مورد تایید گارد با اصلاح رهبری قرار نمی گرفت - دعوت می در پی

واحد ها و همچنین مردم شریمان تابود گردیده و بعنوان دشمنان شماره یک مردم این
 مزر و بوم شناخته شدند و آخوند یسم پایه‌های قدرت خود را بر روی اجساد بدون نقطه
 فرزندان بهگانه این سزمن حکم نمودنرا نغمه شوم خلیع سلاح مردم و برادری بسا
 ارتشیان را سرداد و پانده گوه‌های تبلیغاتی رژیم جدید برای تحقق این امر بعد از آمدن
 و کار را تمام شده و انقلاب را به‌ره‌ری یافته و خلق را آزاد شده و رژیم را تابود شد متغی
 کردند و در حالیکه پایگاه اصلی رژیم که در این بهگانه و در نام مخالفین و دوستها در منطقه
 می باشد همان ارتش مزدور است که نه تنها بدون هیچ تغییر و تحولی موقعیت خود را
 حفظ کرده بلکه وجهه مردمی هم یافته و از خاصری هم که و بود نشان برای استعمارگر
 چندان نفوذ و خولایند نبود یافته شده است (۱) .

مسئله خلیع سلاح توده خلق که آخوند یسم تنها از بعنوان یک رسالت عهده
 دار انجام آن گردید است یکی از سیاستهای استعمارچینها و تحولاتین الطغی از دیرباز
 بود قامت ، تا بدین ترتیب از یکباره ، توده‌ها قدرت دفاع از خود و مناطق خود و هر چه
 بر پایگاههای دشمن را نداشته باشد ، و از طرف دیگر تمرکز قدرت که خواست همیشه
 اینها رژیم می باشد از اینراه صورت پذیرد و قدرت اجرائی در دست رژیم سیاسی دست
 نه‌انده و ارتش مزدور باشد و از اینراه منابع خارجی حفظ و تأمین گردد (۲) .

توجه به مسأله است از چانه ، روحانیت میانه]]]] بیانیتر این معنی است که و نشر افکار
 که در این رژیم بواسطه ارتش و پلیس سیاسی بجزد و روش به او می رسد ، تهدید های از بیات
 روحانیون المراطی]]]] میشی بر " دادن حکم چنان مفسر " یا " تشکیل لشکر " صورت
 صورت می‌گرفت که البته همیشه از این اولیها توجیه ها تحقق خارجی یافت اما توده‌ها
 بیشترنگ های مسالمت آمیز به جنگ و گریز نمایانی از طرف توده غنیمت استعداد بالقوه
 آنها را در دست بازیدن به مبارزاتی بر امان و مسلحانه علیه نیروهای ارتجاعی رژیم
 نمایان می ساخت . و در این مسلح شدن مردم و به فعلیت گزافیدن استعداد بالقوه
 توده ، طوری با ویدرایی های آخوند یسم میشی بر جلوگیری از برادرگش]]]] و حمله بسا
 پان گانهها ، با اراده خلق و مبارزات قهرآموز نشان شاهد سقوط بی دردی پایگاه همسندسای
 استعماری بودیم ، چنانچه توجه اینکه آخوند یسم که کثرت انواع را از دست داده بود و
 بر رفت تا همچون رژیم قبلی به کناری زده شود در زمین ادعاهای دیوین خوش میشی بر
 هنگامی با مردم و استلاده از فرصت برای بازگرداندن دوباره حاکمیت خود خلیع سلاح
 توده های خلق اعلام کرده و عدای مزه هر که قصد ایجاد شکاف بین مردم و ارتش را
 دارند دست به حمله علیه برادران ارتش زدند

۱- نمونه روشن آن حاکم سرخ و سری زرنالهای نامد و آد بکش و توده رژیم و اتحاد

به بحال اکنون دیکتاتوری آخوندیسم به کمک دیکتاتوری سیاست جهانی همانطور که از قبل هم پوش پویشی می شد دیکتاتوری حاکم را بظواهر سرنگون کرده و خود بر خرم مراد سوار شده است ، بدون اینکه خود ماهیت مردم و توحیدی دانسته باشد و از سوی دیگر در ارتش و خلق ایران تحولات بنیادی ایجاد کرده ، اکنون یار دیگر طبریز هم مشکلات و بدبختی های کربلائیگر مردم ما و ریخته شدن خون هزاران انسان بیگناه ، دولت ارتجاعی بازرگان که دست کسی از دولت به اختیار در خیانت مردم ایران ندارد روی کار آمده است (۲) ، و یار دیگر ارتش مزدور ایران با وجهی مردمی و با حفظ همه ثوابت استعماری میخورد ناشی برداخته و دیگر یار سانسور در مطبوعات و رادیو تلویزیون مزدور قرار شده و اختلاف فکری و سیاسی پیدا کرده و دیکتاتوری آخوندیسم بطبیعت واقعی کلیه حاکمیت خود را بازنهفته است که برای مردم ایران و انقلاب توحیدی خلق خطرناکتر و انحراف زا تر از دیکتاتوری رژیم دست نشانده قبلی است - زیرا اگر شاه چنانکه به مخالفین سیاسی خود را که پذیرای حزب او نمی شدند بهر ایرانی قلمداد می نمود آخوندیسم شبیه کار مخالفین سیاسی خود را که پذیرای دولت دست نشانده ما نمی شوند کافر تلقی کرده و بود حکمرانی بر طبقه آنها کفر بحساب می آورد و این عملداری است به تمام مرزندان غیر این مرز و بوم و به همه روشنفکران توحیدی و مردمی که مانع رشد هر چه بیشتر آخوندیسم گردیده و برای سرنگونی آن بکوشند و از گسترش و تحکیم پایه های دیکتاتوری جدید بیخندان باشند ، درست است که چنانیگانان بیگانه و انحراف مزدور باید بچشم آدمکنسی و خیانت و قتل و غارت و از همه سوخته بختیوان " ملومین فی الارض " در دادگساره فریب محاکمه گردیده و اعدام گردند ، اما آخوندیسم هم بحکم مفسد فی الارض باید در برابر محاکمه گردیده و نابود شود - زیرا اگر مفسد فی الارض کسی باشد که از روی قدرت طلبی و برای رسیدن به حکومت فساد کرده (۳) و استمدادها را فایده نموده ، آخوندیسم نمونه روشن و گویای این مفهوم قرآنی است - بنابراین ضمن اینکه اسارت و محکومیت و استیلا می باشد .

۱- از وابستگی بازرگان به استعمار خارجی و روش سازندگان آنهاش همون چیزی که در رابطه با حمله مردم قهرمان به سفارت آمریکا و محل جاسوس امریکا الهیزم و او حمله کنندگان را قهرمانی و غیرمسلمان قلمداد نموده و از این بابت اظهار تأسف خود را به سفیر آمریکا ابراز داشته است (مباحثه های رادیو تلویزیونی بازرگان در این مورد) .
 ۲- فرقان طوق العاده شماره ۲ .

۳- زیرا صرف فساد در عین آنکه حدود و مقرراتی در نظام توحیدی دارد موجب فساد نمی شود مگر فساد که از روی قدرت طلبی و به استیلا خواهی انجام گیرد .

اعدام بیناتکارانه رژیم قلمی را گامی در جهت برداشتن موانع راه تکامل بحساب می آوریم ،
از این نکته هم نباید غافل شدیم که چه چند هائی اکنون بر سر راههای رژیم قلمی لایحه
کرد مانند و آید بر آید آن و سیاستهای اهریمنی شان باید چگونه جهتگیری نمود ؟
بزرگترین و هراسناکترین عامل بدبختی و واکانندی روشنفکران آخوند زده همان
عواملی است که دیر یا زود در گام آن فرد افتاده و بنا بودی میروند ، زیرا رژیم فاسد
مرد می قلمی هم از عواملی برای حفظ بقویت خود استفاده میگرداند بدینیم که ایمن
سیاست آبی نتوانست عامل بقا و دوامش باشد و این خود می تواند تغییرهای سطح برای رژیم
های عواملی باشد که بری نگارنده و می آیند .

اگر تحولات کنونی ایران برای هدای ایجاد سردرگمی و ابهام نموده و سیریل
حوادث آنتیتان فاشیستی شان ساخته که قدرت هرگونه تجزیه و تحلیل بنیادی و اطمینان نظر
و اتخاذ جهت مشخص و قطعانه را از آنان منب کرده که مواضع آن را هم امروز در شکل
موضه کلمه های احفاته آنها بر برابر بنا حبابی مستقل پانجمه و تکثیر آنها و دنباله روی
حوادث و عواملی و آخوند زدگی به عینه مشاهده می کنیم ، برای ما تحولات مزبور نهایت
سازندگی را دارند و موضعه کلمی ما که تنها بگونه گذشته و در برابر رژیم ضد مردم میباشند
همچگونه تغییر یافته بلکه تا جامع تر و صریح تر و به عظمت نزدیکتر شده است و همانطور
که قبلا هم گفته ایم دیکتاتوری آخوندیسم نه تنها هیچ تلاقی با دیکتاتوری نظامی و از کون
شده قلمی ندارد بلکه برای مردم ما و برای آینده انقلاب توحیدی خطرناکتر و انحرافی را
تر است . ما باز هم معتقدیم که دولت ارتجاعی بازگان خائن به مردم ایران است و
عامل اجرای سیاستهای آخوندیسم می باشد و سرنگونی آن رسالت انقلابی همه مجاهدین
راستین و مردم قهرمان این سرزمین است ، هم چنین ما معتقدیم که خلق سلاح مردمها
و وجهه الهیه نمودن ارتقا نزد در ایران توطئه های پیش نخست و تلاشی مدیوحانه در جهت
حفظ منافع استعمار خارجی و سرمایه داری ملی می باشد . و باز عقیده داریم که سیاستهای
جدیدی که در کشور اعمال میشود ظریف تبلیغات در زمین بود چه سیاست توحیدی و
اسلامی نیست بلکه صرفا در جهت تحکیم دوباره کیش شخصیت و ایجاد اختلاف و وحشت
و جنگ داخلی است . از اینرو درخواست مادیاتمان از همه فرزندان و خواهرسهران
شهادت و توحیدی و مجاهدین راستین و خلق قهرمان اینست که قریب توطئه های جدید
را نخورند و کار را تمام حده تعلق ننهند و پناه خویش که راه خداوند و شهیدان توحید
است امیدوارتر شده و تا محو کامل هر نوع دیکتاتوری سیاسی داخلی و خارجی ، و پلوع
پرنوشت ساز خویش ادامه دهند و از چنانی تکثیر مایه نر و توطئه های تنگین روشنفکران
آخوند زده هراسی بدل راه ندهند و ایستاد به تحقق اراده خداوند در قبال مستضعفین
زمین بایستند .